



از نهاد FATF تا سازمان شانگهای: چالش‌ها و فرصت‌های

پیش‌روی ایران (۲۰۲۲-۲۰۱۸)*



زهره فتحیان** - دکتر رحمان حریری*** - دکتر فرزاد رستمی****

This is an [open access](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی جمهوری اسلامی ایران، روابط این کشور با سازمان همکاری شانگهای را به‌عنوان یکی از نهادهای تأثیرگذار منطقه‌ای و بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار ساخته است. با این حال، قرار گرفتن ایران در فهرست سیاه گروه ویژه اقدام مالی (FATF) چالش‌های قابل توجهی را در عرصه سیاست خارجی کشور ایجاد کرده است. این وضعیت، منجر به افزایش انزوای اقتصادی و محدود شدن ظرفیت همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایران با اعضای سازمان شانگهای گردیده است. پرسش محوری این پژوهش آن است که: عدم پابندی جمهوری اسلامی ایران به الزامات FATF چه تأثیری بر فرصت‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی کشور در چارچوب روابط با سازمان همکاری شانگهای دارد؟ هدف پژوهش، واکاوی چالش‌های ناشی از عدم انطباق ایران با الزامات FATF و تحلیل پیامدهای آن بر تعاملات چندجانبه ایران و سازمان همکاری شانگهای است. بدین منظور، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش کیفی و رویکرد توصیفی - تحلیلی، و با اتکا بر داده‌های گردآوری‌شده از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای انجام گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهند که عدم انطباق با الزامات FATF، به‌طور معناداری توان همکاری ایران با کشورهای عضو سازمان شانگهای را کاهش داده و جایگاه ایران را در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تضعیف کرده است. بر این اساس، نتایج پژوهش بر ضرورت انجام اصلاحات ساختاری داخلی و پیوستن به FATF به‌عنوان یک راهبرد کلیدی در جهت تقویت روابط بین‌المللی و ارتقای جایگاه ژئوپلیتیکی ایران تأکید دارد.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روابط بین‌الملل زهره فتحیان با راهنمایی دکتر رحمان حریری است.

** دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی.

*** استادیار مطالعات منطقه‌ای، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی. / نویسنده

مسئول / ایمیل: r.hariri@razi.ac.ir

**** دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی.

کلیدواژگان

گروه ویژه اقدام مالی، لیست سیاه، سازمان همکاری شانگهای، جمهوری اسلامی ایران، نئولیبرالیسم.

مقدمه

در عصر جهان‌شهری، سازمان‌های بین‌المللی به کنشگران محوری در تعیین سرنوشت حکومت‌ها تبدیل شده و نقشی انکارناپذیر در صورت‌بندی هنجارها و تأثیرگذاری بر سیاست‌های خارجی ایفا می‌کنند. دولت‌ها، علیرغم تمایزهای سیاسی و ساختاری، همواره می‌کوشند کنش خود را با مقررات و قوانین وضع شده توسط این نهادها هم‌سو کنند. طبق دیدگاه نظریه پردازان لیبرال، نهادهای نوظهور بین‌المللی به دلیل تأثیرگذاری چشمگیر بر ابعاد سیاسی و اقتصادی مسائل جهانی، به مثابه بازیگران اصلی در معادلات بین‌المللی قلمداد می‌شوند. از این رو، یکی از روندهای مسلط در ساختار کنونی روابط بین‌الملل، نقش نهادهای فراملی در پدیدآوری فرایندهای همکاری و همگرایی در میان کنشگران است.

جمهوری اسلامی ایران، همانند هر نظام سیاسی پویا، نیازمند ارتقای جایگاه خود در نظام بین‌الملل و گسترش تعامل و همکاری مؤثر با سایر کشورهاست. از این رو، طی سال‌های اخیر، همکاری‌های منطقه‌ای به عنوان یکی از راهبردهای اساسی در جهت تأمین منافع ملی و خروج از چالش‌های ناشی از تقابل با قدرت‌های فرامنطقه‌ای در سیاست خارجی ایران مورد تأکید قرار گرفته است. تلاش برای گسترش پیوند با نهادهای منطقه‌ای نظیر شانگهای، نمونه‌ای از این سیاست‌هاست.

در سال‌های اخیر، چگونگی تعامل ج.ا.ا. با دستور کارهای FATF^۱ به مهم‌ترین مبحث سیاست خارجی کشور تبدیل شده است. این واقعیت نشان‌دهنده اهمیت حفظ و ارتقای تعاملات مالی ایران با جامعه جهانی است. FATF در بیانیه ۲۵ فوریه ۲۰۰۹، با انتقاد از عدم موفقیت ایران در رسیدگی به خطر تأمین مالی تروریسم و تهدید جدی این موضوع برای انسجام سیستم مالی بین‌المللی، ایران را به مدت هفت سال در لیست سیاه^۲ خود قرار داد و بعد از ۴ سال تعلیق اقدامات متقابل، گروه ویژه مجدداً در بیانیه ۲۱ فوریه ۲۰۲۰ ایران را به لیست سیاه خود بازگرداند. در نتیجه، پرسش محوری این پژوهش بدین صورت صورت‌بندی می‌شود که موانع ناشی از عدم تعهد ایران به الزامات گروه اقدام مالی (FATF)، چه تأثیری بر فرصت‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی این کشور در تعامل با سازمان همکاری شانگهای دارد؟ این تحقیق بر این مفروضه استوار است که ایران، تحت تأثیر شرایط و عوامل متعدد منطقه‌ای و بین‌المللی و به منظور بهره‌گیری از مزایای ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک، گرایش به سازمان شانگهای یافته است؛ با این حال، بهره‌مندی کامل از مزایای عضویت در آن، متأثر از چارچوب‌های تعیین شده توسط نهادهایی چون گروه اقدام مالی و در واقع، با محدودیت‌هایی که نظم نهادمند بین‌المللی ایجاد کرده، مواجه است.

^۱. Financial Action Task Force

^۲. Black list

در تبیین ضرورت این پژوهش می‌توان اذعان داشت که ایران با توجه به جایگاه ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک خویش، که اهمیت آن‌ها با عضویت در سازمان شانگهای در تحولات منطقه‌ای و جهانی مضاعف می‌شود، بی‌تردید از نقش مؤثرتری در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار خواهد شد. بر این اساس، در شرایط کنونی که ایران تحت فشارهای بین‌المللی ناشی از FATF، راهبرد «شرق‌گرایی» را با اتکا بر روابط مسالمت‌آمیز و منافع مشترک در پیش گرفته، ضروری است تا با نگاهی جامع‌نگر، حداکثر استفاده را از این عضویت در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی به عمل آورد. در این مطالعه، با توجه به گستردگی موضوع و محدودیت‌های دسترسی به منطقه مورد مطالعه، داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و مبتنی بر اسناد موجود گردآوری خواهد شد. متعاقباً، پس از معرفی و تبیین چارچوب نظری و مبانی انتخاب آن، چالش‌های عدم پایداری ایران به الزامات FATF و تأثیر این چالش‌ها بر فرصت‌های همکاری چندجانبه ایران با سازمان شانگهای در چارچوب رهیافت نئولیبرال نهاد گرا واکاوی خواهد شد.

۱- پیشینه

جریان اصلی پژوهش‌هایی که در مورد ابعاد و آثار عضویت ایران در شانگهای منتشر شده، از منظر نظریات کلان روابط بین‌الملل یا ژئوپلیتیک پیامدها و آثار را مورد بحث قرار داده‌اند. بنابراین غالب مطالعاتی که در این زمینه انجام شده در چارچوب فرصت‌های دوجانبه این عضویت برای ایران و شانگهای، جهت‌گیری‌های روسیه و چین در سازمان و الگوی رفتاری گروه ویژه درقبال ایران می‌باشد و تاکنون پژوهشی مبنی بر بررسی بازتاب FATF بر روابط ایران و سازمان شانگهای صورت نگرفته و علت این مسئله نه در کم اهمیت بودن، بلکه ناشی از جدید و متاخر بودن تحولاتی است که در حال حاضر نیز فعلیت داشته. در همین راستا، تمرکز ویژه‌ای بر چرخش سیاسی ایران به شرق، و عوامل تأثیرگذار بر همین چرخش است که می‌تواند مدخل موضوع در مطالعه این پژوهش باشد. در ادامه به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌گردد:

انجان سها در مقاله‌ای با عنوان «سازمان همکاری شانگهای و استراتژی بزرگ جمهوری خلق چین» (Saha, 2023: 5-12)، به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه سازمان همکاری شانگهای با استراتژی کلان پکن - یعنی احیای جایگاه این کشور به عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌الملل - هم‌راستا است. وی استدلال می‌کند که این راهبرد در دو سطح اصلی پیگیری می‌شود: نخست، به چالش کشیدن نظام بین‌المللی تک‌قطبی شکل گرفته تحت رهبری ایالات متحده، و دوم، ایجاد حوزه‌ای مشخص از نفوذ در پیرامون جغرافیایی چین. به باور سها، سازمان همکاری شانگهای با توجه به سیاست‌های ایالات متحده از دهه ۱۹۹۰ به این دو هدف خدمت می‌کند؛ بدین معنا که، از یک سو ابزاری برای مقابله با نفوذ آمریکا در آسیای مرکزی است و از سوی دیگر، وسیله‌ای مؤثر برای گسترش نفوذ چین در این منطقه به شمار می‌آید. افزون بر این، این سازمان به منزله بستری مهم

¹. Shanghai Cooperation Organization (SCO)

برای چین در تعامل و همگرایی با دیگر کشورهایی است که نسبت به نظم تک‌قطبی موجود منتقد یا مخالف‌اند.

پرویزاقبال و بخاری در مطالعه‌ای با عنوان «ایران به‌عنوان عضو دائم سازمان همکاری شانگهای: دامنه و چالش‌ها» (Pervaiz Iqbal & Bukhari, 2022: 773-782)، به واکاوی فرصت‌های راهبردی، اقتصادی و چالش‌های پیش‌روی ایران در سازمان شانگهای می‌پردازند. آنان استدلال می‌کنند که سازمان شانگهای با دربرگیری قدرت‌های نوظهور منطقه‌ای، می‌تواند به عنوان بستری مناسب برای بازسازی ایران از پیامدهای تحریم‌های شدید عمل کند. در واقع، دستیابی به منافع اقتصادی، هدف غایی ایران از پیوستن به این سازمان تلقی می‌شود. با این حال، تمرکز این سازمان بر مقابله با تروریسم، جدایی‌طلبی و افراطی‌گرایی به‌عنوان عاملی چالش‌زا برای ایران محسوب می‌گردد. این در حالی است که ایالات متحده آمریکا، ایران را به حمایت از تروریسم در منطقه متهم می‌سازد. شریعتی‌نیا در مقاله‌ای با عنوان «عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای: پیامدهای امنیتی و اقتصادی» (شریعتی‌نیا، ۱۴۰۱: ۳۵-۵۶)؛ (Shariatinia, 2022: 35-56)، به تحلیل ابعاد امنیتی و اقتصادی عضویت ایران در این سازمان می‌پردازد. یافته‌های پژوهش وی نشان می‌دهد که به دلیل ضعف در نهادهای همکاری‌ها، عضویت ایران صرفاً در حوزه مقابله با تروریسم موجب ایجاد تعهدات الزام‌آور برای این کشور می‌شود. با این حال، تصویب سایر اسناد امنیتی و سیاسی می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری حداقلی از روابط سیاسی باثبات میان ایران و دیگر اعضای سازمان شانگهای باشد. در سایر حوزه‌های امنیتی و اقتصادی، همکاری میان اعضا تابع اجماع شورای سران بوده و الزام‌آور تلقی نمی‌شود. افزون بر این، دستاوردهای اقتصادی ایران در این چارچوب، وابسته به میزان کنشگری خلافت‌انگیز این کشور در درون نهاد مزبور و توانایی آن در ایجاد اجماع برای اجرای ابتکارات اقتصادی خواهد بود.

۲- چارچوب مفهومی و مبانی نظری

در دو گفتار مجزا به تعریف مفاهیم و مبانی نظری در رابطه با موضوع مذکور می‌پردازیم.

۲-۱- چارچوب مفهومی

۲-۱-۱- گروه ویژه اقدام مالی

FATF یک نهاد بین‌دولتی است که توسط وزرای حوزه‌های قضایی عضو آن، در سال ۱۹۸۹ تأسیس گردید. از رسالت‌های این نهاد می‌توان به ایجاد چارچوبی منسجم از استانداردها و ترویج اجرای موثر اقدامات نظارتی، قانونی و عملیاتی برای مبارزه با پولشویی، تأمین مالی تروریسم و تأمین مالی اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی اشاره کرد (fatf-gafi: 2023).

۲-۱-۲- سازمان همکاری شانگهای

سازمان شانگهای در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۱ در شانگهای توسط جمهوری قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان، جمهوری خلق چین و فدراسیون روسیه تأسیس شد. در حال حاضر، اعضای شانگهای شامل: ۹ کشور عضو ۳ کشور ناظر و ۱۴ شرکای گفتگو است. ... در ۲ دسامبر ۲۰۰۴، پنجاه و نهمین

جلسه عمومی مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه A/RES/59/48 را با عنوان «وضعیت ناظر برای سازمان شانگهای در مجمع عمومی» به تصویب رساند. این قطعنامه به سازمان شانگهای حق شرکت در جلسات مجمع عمومی را به عنوان ناظر صادر نمود... (Sectsco 2017).

۲-۲- مبانی نظری

شاید بتوان مهم‌ترین دستاوردهای هر حوزه مطالعاتی را با میزان و کیفیت دستاوردهای نظری آن سنجید؛ زیرا این نظریه است که جهان را با ایجاد ارتباط میان پدیده‌هایی به ظاهر بی‌معنا، معنادار می‌نماید. بدین جهت نظریه نئولیبرالیسم راهی قدرتمند برای درک پویایی سازمان‌های بین‌المللی و به‌طور کلی تر تعارض و همکاری بین‌المللی است.

۲-۲-۱- نهادگرایی نئولیبرال^۱

نظریه نئولیبرالیسم «ترکیبی از لیبرالیسم کلاسیک و اساساً اقتصاد سیاسی لیبرال است» (Manafli, 2021: 16). که سرانجام به عنوان یک نظریه سیاسی روابط بین‌الملل در دهه ۱۹۸۰ ظهور کرد (Garba, 2019: 113). Saleh et al, 2019). نمایندگان اصلی آن رابرت کوهن^۲ و جوزف نای^۳ هستند (Manafli, 2021: 9). هسته مرکزی نهادگرایی را پنج فرض تشکیل می‌دهد که عبارتند از:

۲-۲-۱-۱- همکاری‌های بین‌المللی

نهادگرایان موافق هستند که ... دولت‌ها در راستای منافع خود عمل می‌کنند، اما دیدگاه خوش‌بینانه‌تری نسبت به همکاری دارند... (Keohane, 1984 & Whyte, 2012: 2) و «همکاری بین‌المللی را یک نظم جهانی پایدار و قابل قبول می‌دانند» (Manafli, 2021: 8). با این وجود، ... همکاری در سیاست جهانی سخت است، زیرا هیچ حکومت مشترکی بر الزام به رعایت قوانین وجود ندارد و در مقایسه با جامعه داخلی، نهادهای بین‌المللی ضعیف هستند و ثقل و فریب فراگیر است. هرچند گاه همکاری قابل حصول است و سیاست بین‌الملل مساوی با شرایط جنگی نیست، باید این نکته را در نظر داشت که همکاری در موضوعات مختلف و در زمان‌های مختلف از شرایط متفاوتی برخوردار است... (Keohane et al, 1985: 2). البته «همکاری نباید به عنوان فقدان تعارض در روابط بین‌دولتی درک شود، بلکه باید به عنوان یک واکنش یا راه‌حل در قبال تضاد بین‌دولتی یا تضاد منافع احتمالی تلقی شود» (Su, 2023: 6).

۲-۲-۲- نهادهای بین‌المللی

نئولیبرال‌ها نهاد را مجموعه‌ای از قواعد به هم مرتبط می‌دانند که «یک» رفتارهای خاصی را توصیه و تجویز می‌نمایند (و فعالیت و کنش کشورها را محدود می‌کنند سوم) به توقعات و انتظارات کشورها شکل می‌دهند؛ و باعث افزایش بازدهی معاملات در میان کشورها شده که نهایتاً، دولت‌ها به مفیدیت بیشتری دست پیدا می‌کنند» پس به همکاری که منجر به کسب سود مطلق گردد باید مبادرت ورزید

¹. Neoliberal institutionalism

². Robert Keohane

³. Joseph Nye

(Keohane, 1984: 27). درواقع، «نهادهای محیط‌پذیر و حمایت‌کننده را برای اجرای گفتمان مناسب به میزان بسیار بیشتری نسبت به زمانی که افراد در انزوای کار می‌کنند فراهم می‌کنند» (Hass et al, 2001: 21). نهادگرایی معتقد است که... بزرگ‌ترین مانع همکاری بین دولت‌ها در شرایط هرج و مرج، فریب است. بنابراین با تأکید بر نقش نهادهای، معتقد است که می‌تواند با حل مشکلات اطلاعاتی و اعتمادسازی، ترس از خیانت شرکا را کاهش دهد (Licheng, 2022: 5).

۲-۱-۳- رویکرد نظام‌مند

هسته‌نویس‌های سیستم بر ایده و چارچوب نظری «انتخاب نهادی» نهفته است،... که فرض می‌کند تحت یک چارچوب بین‌المللی ثابت یا تغییرناپذیر، یک دولت همچنان رفتارها و گرایش‌های عملی متفاوتی از خود نشان می‌دهد، در این صورت عامل علی یا متغیر مستقل، درجه یا گستره نهادینه شدن نظام بین‌المللی است... (Su, 2023: 4).

۴-۱-۲- بازیگران نظام بین‌الملل

کوهن و نای استدلال می‌کنند که... اگرچه بازیگران به دولت‌ها محدود نمی‌شوند اما دولت‌ها بازیگران مسلط در روابط بین‌الملل هستند. به همین ترتیب، این فرض وجود دارد که سلسله‌مراتب در سیاست بین‌الملل مطرح است و زور می‌تواند به عنوان ابزار مؤثر سیاست استفاده شود... (Whyte, 2012: 2) از نگاه کوهن، «دولت‌ها بازیگران منطقی واحدی هستند که هزینه‌های اقدامات جایگزین را محاسبه می‌کنند و به دنبال به حداکثر رساندن مطلوبیت مورد انتظار خود هستند، اگرچه این کار را در شرایط عدم قطعیت و بدون داشتن اطلاعات کافی در مورد شیوه‌های جایگزین یا منابع برای انجام بازیابی کامل درباره این شیوه‌های احتمالی، انجام می‌دهند» (Shadunts, 2016: 2). بنابراین از منظر نئولیبرال‌ها «بازیگران به‌طور کلی خردگرا هستند به این معنا که به دنبال پیش‌برد ترجیحات خود به گونه‌ای هستند که منافع خود را به حداکثر برسانند» (Ji, 2015: 2).

۵-۱-۲- وابستگی متقابل

کوهن و نای وابستگی متقابل را در اصطلاح عام به مثابه وضعیتی تعریف می‌نمایند که در آن «نیروهای خارجی تعیین‌کننده‌اند، یا به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر خود قرار می‌دهند». در نظر این دو نظریه‌پرداز وابستگی متقابل در ساده‌ترین مفهوم... وابستگی متقابل دوجانبه است... و به موقعیت‌هایی اشاره دارد که وجه شاخص آن‌ها تأثیرات متقابل میان کشورها یا بازیگران در کشورهای مختلف است (Keohane et al, 2011: 7). ...عدم تقارن همیشه در وابستگی متقابل وجود دارد، یعنی وابستگی یک کشور به کشور دیگر بیشتر یا کمتر از وابستگی کشور دیگر به خودش است... (Licheng, 2022: 3). وابستگی متقابل، به ویژه وابستگی متقابل اقتصادی، جهانی را ترسیم می‌نماید که دارای چهار مشخصه است: ۱) تقلیل تأثیر نیروی نظامی به عنوان وسیله حکومت‌داری؛ ۲) ارتباط روزافزون مابین بازیگران غیردولتی و کشورها؛ ۳) شناخت مجاری متکثر برای تعامل بین بازیگران، فراسوی مرزهای ملی؛ و ۴) دستورکار نوین مباحث بین‌المللی بدون تمایز مابین سیاست دانی و عالی (Bloor, 2022: 6).

ساختار نظام بین‌الملل بعد از جنگ سرد بر پایه هژمونی آمریکا بنا نهاده شد. لذا آنچه که نظم بین‌المللی تک‌قطبی برای دیگر بازیگران رغم زده بود انزوا وعدم ایفای نقش موثر در عرصه نظام بین‌الملل بود. همین امر سبب گشت تا این بازیگران به‌عنوان موجوداتی عقلایی با ایجاد سازمان شانگهای و ایفای نقش موثر در چارچوب آن در صدد ارتقای جایگاه خود در عرصه نظام بین‌الملل برآیند.

نهادگرایی، قدرت‌های بزرگ در سازمان‌های بین‌المللی را به واسطه الزامات نهادی، واداری کند بیشتر جنبه منافع اعضا را بگیرند و هزینه‌های عهدشکنی قدرت‌های بزرگ را افزایش می‌دهد. لذا از جهت راهبردی، پیوستن ج.ا.ا به شانگهای، امکان چانه‌زنی ایران را در سطح بین‌المللی به‌نحو موثری افزایش می‌دهد و می‌تواند جایگاه از دست‌رفته خود را در عرصه بین‌المللی بازیابد. اما این مهم، یک بُعد مسئله را مطرح می‌سازد. بُعد دیگر در این چارچوب، بحث نهادهای بالادستی شانگهای می‌باشد که نوعی امتناع ساختار را در مسیر بهره‌مندی ایران از مزایای عضویت ایجاد نموده‌است. در این زمینه جریان اصلی روابط بین‌الملل به‌طور اخص نهادگرایی، به نقش نهادهای بین‌المللی در تسهیل تعاملات بین دولت‌ها اذعان دارد و آن‌ها را به‌عنوان مجموعه‌ای از قواعد و هنجارهایی تلقی می‌کند که گاهی نپذیرفتن آن می‌تواند محدودیت‌هایی را بر بازیگران اعمال سازد. و از آن طریق رفتار و ترجیحات بازیگران را به‌نوعی تغییر و به آن شکل دهد.

بدین جهت، نگاه قدرت‌ها به قرار گرفتن ایران در لیست سیاه در همین چارچوب قابل طرح است چرا که بازیگران از وضعیت موجود نظام بین‌الملل رضایت دارند و خواهان حفظ نظم موجود هستند، از این جهت، قدرت‌ها، ایران را تهدیدی برای نظم موجود می‌پندارند، تهدیدی برای تغییر در روابط این قدرت‌ها که رفع آن مستلزم فراهم کردن اطلاعات، شفافیت و اعتمادسازی از طریق اجرای کامل برنامه اقدام این نهاد است. لذا ممکن است بازیگران (روسیه و چین و...) در برخی موضوعات از طریق نهادهای بین‌المللی به همدیگر عمیقاً مرتبط شوند، اما در زمینه‌های دیگر که ممکن است برهم‌زننده وضع موجود باشد، روابط جدی وجود داشته باشد. بنابراین رویکرد نئولیبرالیسم برای تحلیل هر دو نهاد مطرح در پژوهش که دو بعد اصلی مقاله را شکل می‌دهد (۱- تحلیل مزایای عضویت ایران در شانگهای ۲- تحلیل چالش‌ها و محدودیت‌های ناشی از عدم عضویت ایران در FATF) به علت تاکید بر مولفه‌هایی چون نهادهای بین‌المللی و مقررات و قوانینی که این نهادها تعیین می‌کنند (نقشی که در فراهم نمودن زمینه همکاری و سود مطلق ناشی از آن میان بازیگران دارد) که گاهی نپذیرفتن آن می‌تواند محدودیت‌هایی را بر بازیگران اعمال سازد دلیل انتخاب این پارادایم تئوریک در پژوهش حاضر می‌باشد.

۳- گذری بر تاریخچه تاسیس سازمان همکاری شانگهای

این سازمان «در سال ۱۹۹۶ میان روسای جمهوری چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان تاسیس شد» (Bailes et al, 2007: 8). «کشورهای مؤسس سازمان براساس روابطی که از نظر تاریخی بین مردمانشان ایجاد شده است؛ تلاش برای تقویت همکاری همه‌جانبه؛ تمایل به مشارکت در تقویت

صلح و تضمین امنیت در منطقه در محیط توسعه چندقطبی سیاسی و اقتصادی و جهانی‌سازی اطلاعات؛ متقاعد شدن که ایجاد سازمان شانگهای، استفاده‌ی مشترک کارآمدتر از فرصت‌ها و مقابله با چالش و تهدیدها را تسهیل می‌کند» (Charter of the Shanghai Cooperation Organization, 2002). برای اهداف این سازمان موارد: «مقابله مشترک با تروریسم، جدایی طلبی و افراط گرایی» قابل طرح می‌باشد و اکنون ۶۰ درصد از کل جغرافیای منطقه اوراسیا و ۴۵ درصد ذخایر انرژی اثبات شده در جهان را تشکیل می‌دهد (Saha, 2023: 1-3).

۱-۳- ایران و سازمان همکاری شانگهای

قطعاً ایران به خوبی از تصویر خود در سطح منطقه و بین‌الملل آگاه است «بنابراین ایران می‌خواست بخشی از سازمان منطقه‌ای نوظهوری باشد که دارای قدرت‌های اقتصادی پیشرو در آینده است تا اقتصاد خود را به مسیری برگرداند که به دلیل تحریم‌های بین‌المللی به شدت آسیب‌دیده است» (Pervaiz Iqbal & Bukhari, 2022: 2). درواقع، از آنجا که در عرصه سیاست خارجی، حضور در نهادهای منطقه‌ای در راستای تامین اهداف بین‌المللی یک کشور حائز اهمیت است، مطلوبیت همکاری در این نهادها مدت‌هاست به عنوان خط مشی اساسی در جهت برون رفت از چالش با قدرت‌های فرامنطقه‌ای در متن سیاست خارجی ایران قرار داشته و تلاش برای پیوستن به سازمان‌ها و تشکل‌های منطقه‌ای را می‌توان تبلور چنین سیاستی دانست.

۳-۲- روند عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای

سابقه همکاری ج.ا.ا با سازمان شانگهای به سال ۲۰۰۵ و نشست سران سازمان، در شهر «آستانه» بازمی‌گردد. که در آن اجلاس، ایران عنوان ناظر را به دست آورد. «ج.ا.ا ابتدا در سال ۲۰۰۸ و بار دیگر در سال ۲۰۱۰، درخواست عضویت دائم خود را به صورت رسمی مطرح نمود اما هیچ‌کدام مورد تایید قرار نگرفت» (Akbarzadeh, 2015: 97). سرانجام در اجلاس بیست و یکم سران در سال ۲۰۲۱ به عضویت این سازمان پیوست اما عضویت کامل ایران در اجلاس بیست و سوم سران سازمان شانگهای به میزبانی دهلی نو در ۴ ژوئیه ۲۰۲۳ رسمیت یافت. «درواقع، ایران که به دلایل متعدد از تحریم‌ها و انزوا آسیب‌دیده، با تصاحب کرسی دائمی در سازمان شانگهای وارد مرحله جدیدی از روابط دیپلماتیک شده است» (Pervaiz Iqbal et al, 2022: 8).

۳-۳- تعاملات پایدار: فرصت‌های دوجانبه ایران و سازمان همکاری شانگهای

این مزایا و فرصت‌ها را می‌توان به سه بخش تقسیم نمود:

۳-۳-۱- پیامدهای ژئوپلیتیکی^۱

از منظر ژئوپلیتیکی، برجسته‌ترین ویژگی منطقه، هم‌جواری بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی – به‌ویژه هند و پاکستان در جنوب آسیا که با وجود ذخایر محدود گاز طبیعی، دارای تقاضای بالای انرژی‌اند – با بزرگ‌ترین تولیدکنندگان آن است. ایران، به‌عنوان کشوری واقع در مجاورت خلیج

¹. Astana

². Geopolitical implications

فارس - «هارتلند» انرژی فسیلی جهان - و دارای دسترسی به دریای خزر، دومین کانون مهم انرژی جهانی، از جایگاهی ژئوپلیتیکی ممتاز برخوردار است. این پیوستگی فضایی، نوعی وابستگی متقابل اقتصادی میان کشورهای منطقه ایجاد کرده است. چنان‌که سیکری بیان می‌کند: «ژئوپلیتیک انرژی در جهان معاصر عمدتاً بر نفت و تا حدی بر گاز متمرکز است؛ باین‌حال، این دو نه صرفاً کالاهای تجاری، بلکه عناصر راهبردی با ماهیت ژئوپلیتیکی‌اند» (Sikri, 2008: 2).

با این حال، انرژی تنها یکی از ابعاد ژئوپلیتیکی ایران است. برخورداری از سواحل گسترده در خلیج فارس و دریای عمان، این کشور را به بازیگری مؤثر در تحولات منطقه‌ای، به‌ویژه در حوزه انتقال انرژی، تبدیل کرده است. تنگه هرمز به‌عنوان گذرگاهی باریک در دهانه خلیج فارس، نقشی حیاتی در تجارت جهانی انرژی دارد؛ به‌گونه‌ای که حدود یک‌سوم مبادلات دریایی انرژی از این مسیر انجام می‌شود. «در سال ۲۰۱۸ روزانه ۲۱ میلیون بشکه نفت، معادل سی درصد کل نفت حمل‌شده از طریق دریا، از این تنگه عبور کرده است» (Sayin & Kilic, 2020: 32). تسلط ایران بر این کریدور حیاتی، موقعیت ژئوپلیتیکی آن را در معادلات انرژی جهانی برجسته می‌سازد و عضویت تهران در سازمان همکاری شانگهای را می‌توان گسترش حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی و استراتژیک این سازمان تا آب‌های خلیج فارس دانست.

۳-۲- پیامدهای ژئواستراتژیک^۱

سازمان همکاری شانگهای، با اتخاذ رویکردی مبتنی بر مخالفت با یکجانبه‌گرایی غربی عمل می‌کند، بدون آنکه خود را به‌مثابه یک اتحاد نظامی سنتی مشابه ناتو تعریف کند (Bailes et al, 2007: 27). این موضع ضدیکجانبه‌گرایی عمدتاً در مواقعی تقویت می‌شود که منافع جمعی اعضا در میان باشد؛ وضعیتی که می‌تواند برای ایران فرصت‌سازی کند یا در صورت مصلحت‌اندیشی سایر اعضا، به زیان آن تمام شود. این سازمان همکاری‌های چندبُعدی را برای مقابله با تهدیدات نوین امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی ترویج می‌دهد (Rozanov, 2013: 52). وابستگی متقابل امنیتی در حوزه‌های مبارزه با تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی از اهداف تأکیدشده در اسناد تأسیسی آن محسوب می‌شود (Weitz, 2003: 5).

با توجه به این اهداف، سازمان شانگهای از انسجام راهبردی با منافع جمهوری اسلامی ایران برخوردار است، به‌ویژه در حوزه تأکید ایران بر همکاری‌های امنیتی و سیاسی منطقه‌ای. درهم‌تنیدگی امنیتی ناشی از عضویت در این سازمان به ارتقای امنیت همه اعضا -از جمله ایران- می‌انجامد. از منظر جغرافیایی-امنیتی، شانگهای به‌عنوان سازگارترین نهاد منطقه‌ای با فضای امنیتی مشترک ایران و آسیای مرکزی شناخته می‌شود. حضور فعال در آن می‌تواند علاوه بر تحقق اهداف ملی با هزینه‌ای کمتر، به افزایش نقش آفرینی ایران در آسیای مرکزی و تقویت اعتماد از طریق تنش‌زدایی بینجامد. این سازمان با ارائه سازوکاری کارآمد برای مدیریت تعارضات و کاهش هزینه‌های مذاکره، همکاری میان اعضا را تسهیل می‌کند. همچنین، با بهره‌گیری از مکانیسم‌های

^۱. Geostrategic implications

اقتدارمحور نظیر پاداش و تنبیه، سطح همکاری‌های بین‌الدولی را ارتقا می‌بخشد.

۳-۳- پیامدهای ژئواکونومیک^۱

ایران با دارا بودن دو خط ساحلی استراتژیک -در شمال به دریای خزر و در جنوب به خلیج فارس و دریای عمان- از موقعیت ژئوپلیتیکی ممتازی برخوردار است که دسترسی مستقیم آن به مسیرهای کشتیرانی بین‌المللی و بازارهای جهانی را تضمین می‌کند (Omidi & Noolkar-Oak, 2021: 22). این مزیت، در کنار اقتصادهای مکمل منطقه‌ای، فرصت‌های گسترده تجاری و اشتراکات فرهنگی-سیاسی، بر اهمیت ژئواقتصادی ایران می‌افزاید. در این راستا، سازمان همکاری‌های شانگهای به‌عنوان بستری برای بالفعل‌سازی این ظرفیت‌ها عمل می‌کند.

مزایای عضویت شامل ارتقای همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای، بهره‌گیری از توانمندی قدرت‌هایی نظیر چین، برخورداری از معافیت‌های تعرفه‌ای، دسترسی به بازارهای گسترده و بهینه‌سازی مصرف منابع اقتصادی است. این شرایط می‌تواند به «شکل‌گیری نوعی یکپارچگی اقتصادی در قالب منطقه آزاد تجاری بینجامد که در گام اول، بر حذف یا کاهش محدودیت‌های تجاری توافق می‌کند» (Alimove, 2018: 9).

۴- نقش FATF در تعیین آینده روابط ایران و سازمان شانگهای

۴-۱- سیر تحول گروه ویژه اقدام مالی

سال ۱۹۸۹ در خلال پانزدهمین اجلاس سران گروه ۷ کشور صنعتی موسوم به G7 در فرانسه، رئیس جمهور فرانسه و آمریکا درباره ایجاد گروهی موقت با هدف تقویت مبارزه با روند روبه رشد پولشویی به توافق رسیدند که «گروه ویژه اقدام مالی» نام نهاده شد و از آن زمان به یک شبکه جهانی متشکل از ۲۰۰ کشور و حوزه قضایی تبدیل شده است که در بالاترین سطح متعهد به اجرای کامل توصیه‌های FATF شده‌اند» (FATF Statement, 15 May 2017). با در نظر گرفتن این موارد، کارشناسان FATF ارزیابی‌های مشورتی خود را در حوزه مقررات و شفافیت مالی - مبتنی بر گزارش‌های رسمی کشورها - منتشر می‌کنند که مبنای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران بین‌المللی قرار می‌گیرد. با این حال، «در اکتبر ۲۰۰۱ و همزمان با تشدید حملات تروریستی، به‌ویژه حادثه ۱۱ سپتامبر، تمرکز اصلی گروه ویژه به مبارزه با تأمین مالی تروریسم معطوف گردید» (Nowrozi, 2024: 61).

در واقع، هنگامی که منابع درآمدی گروه‌های افراط‌گرا از طریق کشورهای حامی یا فعالیت‌های مجرمانه تأمین شود، این فرض که آنان به سمت پولشویی گرایش یابند، منطقی به نظر می‌رسد (Krieger et al, 2011: 11). همچنین در سال ۲۰۰۸، همزمان با تشدید مناقشه هسته‌ای ایران، مقابله با تأمین مالی گسترش سلاح‌های کشتار جمعی نیز در دستور کار این گروه قرار گرفت.

¹. Geoeconomic implications

². Germany, France, Italy, Japan, United Kingdom, United States of America, and Canada. ZARB ZARA.

۴-۲- بازخوانی رویکرد FATF: ارزیابی رفتار این سازمان نسبت به ایران

بیانیه عمومی مورخ ۲۸ فوریه ۲۰۰۸، نخستین سند رسمی FATF است که در آن از ج.ا.ا به‌عنوان یکی از کشورهای با ریسک بالا و تحت نظارت ویژه گروه یاد شده نام برده شد. در این بیانیه، ضمن ترغیب ایران به تعامل مؤثرتر با FATF و جامعه بین‌المللی و بهبود اقدامات در زمینه مقابله با تأمین مالی تروریسم و پولشویی، از اعضای گروه خواسته شد تا به مؤسسات مالی تابع خود اعلام کنند به‌دلیل وجود نارسایی‌های ساختاری جدی در نظام مقابله با تأمین مالی تروریسم و پولشویی ایران، در تعاملات مالی با این کشور نهایت احتیاط را رعایت کنند (FATF Statement, 28 February 2008).

(۲۰۰۸) در بیانیه پایانی همان سال، گروه ویژه ضمن استقبال از گام‌های ایران برای همکاری با جامعه بین‌الملل در مبارزه با پولشویی، نسبت به فقدان اقدامات مؤثر در زمینه مقابله با تأمین مالی تروریسم ابراز نگرانی نمود. همچنین از کشورهای عضو خواسته شد برای صیانت از نظام‌های مالی خود در برابر ریسک‌های ناشی از تعامل با ایران، تدابیر بازدارنده اتخاذ کرده و از دولت ایران اجرای فوری اقدامات اصلاحی را مطالبه نمایند (FATF Statement, 16 October 2008).

در نهایت، FATF در بیانیه ۲۵ فوریه ۲۰۰۹ خود، ضمن ابراز انتقاد شدید از ناکامی ایران در رسیدگی به خطر تأمین مالی تروریسم و تهدید ناشی از آن برای نظام مالی بین‌المللی، ایران را در فهرست سیاه قرار داد. در این بیانیه، از تمامی اعضا و حوزه‌های قضایی خواسته شد تا اقدامات متقابل مؤثری را برای حفاظت از بخش‌های مالی خود در برابر ریسک‌های پولشویی و تأمین مالی تروریسم مرتبط با ایران اعمال کنند (FATF Statement, 25 February 2009). پس از این اعلامیه، ایران بیش از هفت سال در فهرست سیاه باقی ماند، تا اینکه به دلیل تعهد سیاسی سطح بالای کشور برای رفع کاستی‌های راهبردی در مقابله با پولشویی و تصمیم برای دریافت کمک فنی در اجرای برنامه اقدام، در بیانیه عمومی ۲۴ ژوئن ۲۰۱۶ اعلام شد که «اقدامات متقابل به مدت دوازده ماه برای نظارت بر پیشرفت ایران در اجرای برنامه اقدام تعلیق می‌شود و در صورتی که FATF تشخیص دهد ایران در پایان این دوره پیشرفت کافی نداشته است، اقدامات متقابل مجدداً اعمال خواهد شد (FATF Statement, 24 June 2016)». با وجود اتمام این فرصت یک‌ساله در سال ۲۰۱۷، گروه ویژه برای یک دوره دوازده ماه دیگر، تعلیق اقدامات متقابل را تمدید کرد و تا سال ۲۰۲۰ به همین شیوه، تعلیق دوره‌ای ادامه یافت. تا اینکه در بیانیه ۲۱ فوریه ۲۰۲۰، گروه ویژه ایران را مجدداً به فهرست سیاه بازگرداند؛ در این بیانیه اعلام شد که با توجه به ناکامی ایران در تصویب کنوانسیون‌های پالرمو و مقابله با تأمین مالی تروریسم مطابق استانداردهای FATF، تعلیق اقدامات متقابل لغو شده و از اعضا و حوزه‌های قضایی خواسته می‌شود اقدامات متقابل مؤثر را مطابق توصیه شماره ۱۹ اعمال کنند (FATF Statement, 21 February 2020). این توصیه شامل نمونه‌هایی از اقدامات متقابل است که عبارتند از: (۱) الزام مؤسسات مالی به اجرای عناصر مشخصی از بررسی‌ها؛ (۲) معرفی سازوکارهای گزارش‌دهی سیستماتیک تراکنش‌های مالی؛ (۳) امتناع از تأسیس شرکت‌های تابعه، شعب یا دفاتر نمایندگی مؤسسات مالی از کشور مربوطه (FATF, 2012-2023: 87).

۴-۳- چالش‌های بین‌المللی ایران: تحلیل آسیب‌پذیری‌ها در سایه FATF

این چالش‌ها رami توان در سه بخش مورد بررسی قرار داد:

۴-۳-۱- اقتصاد

۴-۳-۱-۱- عدم جذب سرمایه‌گذاری خارجی

از آنجا که سازمان‌های بین‌المللی برای جهت‌دهی به تغییر سیاست از طریق فشار بازار فراملی، می‌توانند با بهره‌گیری از شاخص‌های عملکرد جهانی، اطلاعات مرتبط با ریسک کشورها را منتقل و انتظارات بازار را تثبیت کنند، در چنین شرایطی بانک‌ها و سرمایه‌گذاران ممکن است دسترسی به سرمایه را در کشورهایی که از انطباق کافی برخوردار نیستند، محدود نمایند. در این چارچوب، «فهرست عمومی FATF از حوزه‌های قضایی غیرمنطبق، بانک‌های بین‌المللی را واداشته تا منابع مالی را از کشورهای فهرست‌شده خارج کرده و هزینه‌های تداوم عدم پایداری را افزایش دهند» (Morse, 2019: 2). از بانک‌های کشورهای همسایه تا مؤسسات مالی کشورهای اصلی طرف تجاری ایران، نظیر چین، هند و روسیه، همگی در تعامل با بانک‌های ایرانی، رعایت استانداردهای FATF را به‌عنوان شرط اولیه همکاری مطالبه می‌کنند.

بدین ترتیب، آثار قرارگیری در فهرست سیاه از طریق امتناع دولت‌ها و واسطه‌های مالی از همکاری، موجب محدودسازی جریان سرمایه و تسریع در خروج سرمایه از کشور می‌شود. «از این‌رو، رئیس یکی از واحدهای اطلاعات مالی اظهار داشته است که فهرست سیاه برای کشورهای در حال توسعه همانند شلیک به شقیقه است» (Sharman, 2008: 645). نمونه بارز آن افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در ایران در سال ۲۰۱۷ است؛ زمانی که ایران در چارچوب برجام با کشورهای ۱+۵ همکاری داشت و از فهرست سیاه FATF به حالت تعلیق درآمده بود. با این حال، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲، به دلیل بازگشت ایران به فهرست سیاه در ۲۰۲۰، روندی نزولی و با شیبی ملایم را تجربه کرده است (نصاری‌پور و صالحی‌یگانه، ۱۴۰۴: ۴۱)؛ (Nasaripour & Salehi Yeganeh, 2025: 41).

۴-۳-۱-۲- انزوای اقتصادی ایران

این نهاد بین‌المللی معتبر، با انتشار «فهرست سیاه»، کشورهای ناقض توصیه‌های خود را رتبه‌بندی کرده و از طریق اعمال تحریم نمادین با بهره‌گیری از کنش گفتاری، به آنان منزلت اجتماعی منفی اعطا می‌کند. این اقدام، با توجه به نقش تعیین‌کننده اعتبار در رقابت جهانی، پیامدهای اقتصادی گسترده‌ای به همراه دارد؛ به گونه‌ای که فعالان اقتصادی این فهرست را شاخصی برای ارزیابی کارآمدی حکمرانی مالی کشورها تلقی می‌کنند. به عبارتی، «قرارگیری یک کشور در فهرست سیاه، سیگنالی کنش‌برانگیز است که بخشی از نظم مالی بین‌المللی را متأثر می‌سازد» (Sharman, 2009: 579). بر این اساس، حضور ایران در این فهرست، ضمن تضعیف جایگاه اعتباری در نظام مالی جهانی، محدودیت‌های شدید اقتصادی ایجاد کرده و موجب واگرایی شرکای تجاری گردیده است. مهم‌ترین پیامد آن، محرومیت از دسترسی به شبکه بانکی بین‌المللی است که انجام مبادلات

مالی را مختل کرده و حتی متحدانی چون روسیه و چین استمرار همکاری اقتصادی خود را منوط به الحاق ایران به FATF دانسته‌اند (Mazaheri, 2024).

۴-۳-۱- افزایش هزینه‌های مالی

عدم همکاری ایران با گروه ویژه اقدام مالی (FATF) موجب شده تراکنش‌های مالی کشور از مسیرهای رسمی منحرف و به حوزه‌های غیرشفاف و واسطه‌محور سوق یابد؛ وضعیتی که حتی می‌تواند انتقال کمک‌های بشردوستانه به ایران را مختل کرده و به‌صورت بالقوه بر سطح رفاه شهروندان اثر منفی بگذارد (Mazaheri, 2024). در نتیجه، بسیاری از شرکت‌های بزرگ فعال در بازارهای جهانی با احتیاط به تعامل اقتصادی با ایران می‌نگرند، زیرا هزینه‌های سنگین ناشی از اقدامات تنبیهی، ادراک عدم صرفه اقتصادی همکاری با ایران را تقویت می‌کند. «در مقابل، تنها شرکت‌های کوچک و متوسط ممکن است تمایل بیشتری به ادامه تعامل با ایران داشته باشند، زیرا فعالیت محدودتر آنان در بازار جهانی موجب می‌شود کمتر در معرض نظام مالی بین‌المللی قرار گیرند» (Holmquist et al, 2020: 30-31). با این حال، انجام مبادلات مالی بدون عضویت در FATF مستلزم پرداخت هزینه‌های مضاعف ناشی از واسطه‌گری است که نهایتاً بار مالی آن بر اقتصاد ملی و معیشت عمومی تحمیل می‌شود. از این‌رو، یافتن راهکارهای جایگزین برای کاهش پیامدهای ناشی از عدم الحاق به FATF و تسهیل تعاملات مالی بین‌المللی ضرورتی انکارناپذیر به نظر می‌رسد (Mazaheri, 2024).

۴-۳-۲- سیاست

۴-۳-۲-۱- تضعیف جایگاه ایران در منطقه

با وجود آنکه عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای می‌تواند بسترهای جدیدی برای گسترش دیپلماسی کشور فراهم سازد (شریعتی‌نیا، ۱۴۰۱: ۵۰)؛ (Shariatinia, 2022: 50). اما عدم پایبندی به الزامات و استانداردهای بین‌المللی نظام مالی FATF، پتانسیل ارسال پیامدهای منفی به جامعه بین‌المللی را در پی دارد و می‌تواند منجر به محدود شدن دامنه تعاملات سیاسی و دیپلماتیک ایران با سایر کشورها شود این امر، فرآیند مذاکرات و توافقات آتی در حوزه‌های اقتصادی، تجاری و امنیتی را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد و تصویر ایران را به‌عنوان یک بازیگر و شریک قابل اعتماد در عرصه بین‌الملل مخدوش می‌کند (مقدسی و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۲-۲۱)؛ (Moghaddisi et al, 2024: 18). در نتیجه، چنین وضعیتی کاهش نفوذ ژئواقتصادی و ژئوسیاسی ایران در سطح منطقه را به‌دنبال داشته و به‌طور غیرمستقیم بر ثبات سیاسی و اقتصادی کشور تأثیر منفی می‌گذارد (مقدسی و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۲-۲۱)؛ (Moghaddisi et al, 2024: 18).

۴-۳-۲-۲- افزایش فشارهای سیاسی و تحریم‌ها

قرار گرفتن ایران در فهرست سیاه و عدم پایبندی به توصیه‌های این نهاد، به تشدید فشارهای سیاسی و تحریم‌های بین‌المللی علیه کشور منجر می‌شود؛ امری که محدودیت‌های مالی را افزایش داده و روند کاهش تعاملات اقتصادی ایران با جامعه بین‌المللی را تسریع می‌کند. در چنین وضعیتی، بسیاری از بانک‌ها، شرکت‌ها و نهادهای مالی از همکاری با ایران خودداری کرده و در ارتباطات مالی با

اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی، رویکردی محتاطانه و مبتنی بر ارزیابی دقیق ریسک اتخاذ می‌نمایند (مقدسی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۸)؛ (Moghaddisi et al, 2024:18).

۴-۳-۲- تأثیر بر پروژه‌های مشترک

اگرچه حضور در سازمان همکاری شانگهای به منظور دستیابی به رشد و توسعه، ضرورتی راهبردی تلقی می‌شود که می‌تواند از شدت فشارهای تحریمی بکاهد (نجاتی و بلاغی اینالو، ۱۴۰۱: ۱۱۲)؛ (Nejati & Bolaghi Inalo, 2022: 112). اما اعضای این سازمان ممکن است تمایل محدودی به مشارکت در پروژه‌های بزرگ و بلندمدت با ایران نشان دهند. به علاوه، بسیاری از پروژه‌ها و توافقات آغاز شده نیز تحت تأثیر شرایط سیاسی و اقتصادی موجود، با تأخیرهای طولانی مواجه شده یا به طور کامل متوقف می‌شوند. برای نمونه، کریدور شمال-جنوب که بر اساس توافق‌نامه‌ای در سال ۲۰۰۲ میان هند، روسیه و ایران رسمی شد، به دلیل تحریم‌های بین‌المللی با عقب‌نشینی شرکا و تأخیرهای مکرر در اجرای آن روبه‌رو گردید (Grajewski, 2020: 4-5). از این رو، این وضعیت می‌تواند به کاهش تعداد پروژه‌های مشترک و گرایش به طرح‌های کوچک و کم‌اثر منجر شود؛ امری که در غیاب همکاری مؤثر، به طور حتم کیفیت فناوری و خدمات مورد نیاز را پایین‌تر از استانداردهای بین‌المللی نگاه می‌دارد.

۴-۳-۳- امنیت

۴-۳-۳-۱- تضعیف امنیت منطقه

FATF با ایجاد شبکه‌های گسترده و هم‌زمان در حوزه‌های امنیت فراملی، زمینه‌ساز شکل‌گیری سازوکارهایی شده است که پیش‌تر وجود نداشت (علوی و جودکی، ۱۴۰۰: ۱۰۵)؛ (Alavi & Jodaki, 2021: 105). با این حال، اعمال حق شرط «محدودیت همکاری در ارائه اطلاعات» از سوی ایران هنگام تصویب کنوانسیون پالرمو (علوی و جودکی، ۱۴۰۰: ۱۲۰)؛ (Alavi & Jodaki, 2021: 120) می‌تواند موجب تضعیف همکاری‌های دفاعی و امنیتی و در نتیجه بروز ناامنی میان ایران و کشورهای عضو سازمان شانگهای گردد. چنین وضعیتی به طور بالقوه امنیت منطقه‌ای را تحت‌الشعاع قرار داده و تهدیداتی برای ثبات آن ایجاد می‌کند؛ زیرا همکاری‌های امنیتی عموماً مبتنی بر تبادل اطلاعات درباره تهدیدات مشترک است. در صورت تداوم حضور ایران در فهرست سیاه، احتمالاً سایر کشورها به دلیل نگرانی از پیامدهای تحریم‌ها و ملاحظات امنیتی، از اشتراک‌گذاری اطلاعات حساس با ایران اجتناب خواهند کرد؛ مسئله‌ای که می‌تواند احتمال موفقیت تهدیدات امنیتی منطقه‌ای را افزایش دهد.

۴-۳-۳-۲- کاهش اعتماد میان کشورهای منطقه

به طور قطع، مهم‌ترین پیامد امنیتی پذیرش الزامات همکاری در مقابله با تروریسم بروز خواهد یافت، زیرا ایران در این حوزه از موقعیتی پیچیده برخوردار است. از یک سو، از قربانیان اصلی تروریسم محسوب می‌شود و از سوی دیگر، از طیفی از گروه‌های اسلامی حمایت می‌کند. این در حالی است که نگرش FATF و سایر اعضای سازمان شانگهای نسبت به این گروه‌ها، تفاوت‌های اساسی با

رویکرد ایران دارد (شریعتی‌نیا، ۱۴۰۱: ۴۸)؛ (Shariatinia, 2022: 48) و این امر می‌تواند به تضعیف اعتماد میان ایران و سایر اعضا منجر شود. کاهش این اعتماد، ظرفیت همکاری‌های امنیتی مشترک را محدود کرده و مانع شکل‌گیری تعاملات سازنده می‌شود، چراکه اعتماد یکی از ارکان بنیادین در برقراری و تداوم روابط بین‌المللی است. در عرصه امنیت، کشورها تنها در پرتو اعتماد متقابل قادر به تبادل اطلاعات، منابع و راهبردهای مشترک خواهند بود.

۳-۳-۴- کاهش همکاری‌های امنیتی با کشورها

بخشی از الزامات FATF ذیل عنوان «توصیه‌های کلیدی»، کشورها را موظف به گسترش همکاری‌های اطلاعاتی و مالی میان‌دولتی می‌کند. به‌عنوان نمونه، در توصیه شماره ۴۰، FATF تأکید دارد که کشورها باید استقلال نهادی لازم را برای واحد اطلاعات مالی (FIU) فراهم آورند تا این نهاد بتواند داده‌های مالی را بدون محدودیت با سایر کشورها به اشتراک‌گذاری (علوی و جودکی، ۱۴۰۰: ۱۰۶)؛ (Alavi & Jodaki, 2021: 106). این ویژگی امکان تعامل مؤثر میان اعضا را فراهم ساخته و به آن‌ها اجازه می‌دهد تبادل اطلاعات مالی و امنیتی را به‌صورت آنی و کارآمد انجام دهند. عضویت در چنین شبکه‌ای به کشورها کمک می‌کند تا تهدیدات مالی و جنایی را پیش از وقوع شناسایی و اقدامات پیشگیرانه را سریعاً اتخاذ نمایند. از این‌رو، قرار گرفتن در فهرست سیاه می‌تواند به تضعیف همکاری‌های امنیتی و محدود شدن تبادل اطلاعات میان ایران و سایر کشورها بینجامد، چرا که این وضعیت انگیزه دولت‌های دیگر برای تعامل و همکاری امنیتی با ایران را به‌طور محسوسی کاهش می‌دهد.

نتیجه‌گیری

تحلیل پیامدهای ناشی از عملکرد گروه ویژه اقدام مالی (FATF) بر روابط جمهوری اسلامی ایران با سازمان همکاری شانگهای، گویای پیچیدگی‌ها و چندلایگی سیاست خارجی ایران در بستر نظام بین‌الملل است. قرار گرفتن ایران در فهرست سیاه این نهاد، موجب بروز چالش‌های عمیق در سطوح اقتصادی، سیاسی و امنیتی گردیده و ظرفیت‌های بالقوه تعامل ایران با اعضای سازمان همکاری شانگهای را به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر قرار داده است.

از منظر اقتصادی، عدم پایبندی به الزامات FATF منجر به تضعیف جایگاه ایران در نظام مالی جهانی و کاهش جذابیت آن برای سرمایه‌گذاران خارجی شده است. پیامد مستقیم این وضعیت، محدود شدن جریان ورود سرمایه، افزایش هزینه‌های مبادلات مالی و کاهش توانایی کشور در ایجاد روابط تجاری پایدار با اعضای سازمان شانگهای است. استمرار این روند، به انزوای مالی و تجاری ایران در فضای منطقه‌ای و بین‌المللی انجامیده و مانع بهره‌برداری بهینه از فرصت‌های همکاری در چارچوب شانگهای شده است.

در بعد سیاسی، تداوم حضور ایران در فهرست سیاه FATF، جایگاه دیپلماتیک کشور را تضعیف کرده و تصویر آن به‌عنوان شریکی قابل اعتماد در تعاملات بین‌المللی را مخدوش ساخته است. این امر به کاهش سطح همکاری‌های سیاسی و اقتصادی میان ایران و سایر اعضای سازمان انجامیده و

موجب کندی یا توقف در اجرای پروژه‌های مشترک و طرح‌های توسعه‌ای گردیده است. به بیان دیگر، عدم انطباق با استانداردهای مالی بین‌المللی، تأثیر مستقیمی بر اعتبار سیاسی ایران و توان چانه‌زنی آن در مجامع منطقه‌ای داشته است.

در حوزه امنیتی نیز، قرار گرفتن در فهرست سیاه FATF می‌تواند پیامدهایی منفی بر همکاری‌های اطلاعاتی و امنیتی ایران با کشورهای عضو شانگهای برجای گذارد. کاهش سطح اعتماد متقابل و تردید نسبت به میزان التزام ایران به استانداردهای جهانی مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم، روند تبادل اطلاعات امنیتی را با اختلال مواجه ساخته و در نهایت، به افزایش ناامنی و بی‌ثباتی در محیط پیرامونی منجر می‌شود.

با وجود چالش‌های مذکور، عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای بالقوه می‌تواند فرصت‌های گسترده‌ای برای گسترش همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی منطقه‌ای فراهم سازد. با این حال، بهره‌گیری مؤثر از این ظرفیت‌ها مستلزم رفع موانع موجود در ارتباط با FATF و اصلاح ساختارهای داخلی مرتبط با شفافیت مالی و نظارت بانکی است. انطباق با الزامات FATF نه تنها شرط لازم برای خروج از فهرست سیاه تلقی می‌شود، بلکه می‌تواند در بازسازی اعتماد جامعه بین‌المللی نسبت به ایران، تسهیل دسترسی به بازارهای جهانی و کاهش تنش‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نقش آفرین باشد.

در این راستا، اتخاذ رویکردی تعامل‌محور، واقع‌گرایانه و مبتنی بر منافع ملی در قبال FATF، ضرورتی راهبردی برای سیاست خارجی ایران محسوب می‌گردد. بی‌توجهی به الزامات این نهاد، نه تنها موجب تداوم انزوای مالی، بلکه به تضعیف نقش ایران در ترتیبات همکاری چندجانبه نظیر سازمان شانگهای خواهد انجامید.

به‌طور کلی، پیامدهای ناشی از عدم الحاق ایران به FATF، ضرورت پیوستن کشور به کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم^۱ و کنوانسیون پالرمو را دوچندان ساخته است. شایان توجه است که پذیرش مؤلفه‌های FATF ماهیتی اقتصادی و فنی دارد و نباید آن را صرفاً اقدامی سیاسی تلقی نمود. رعایت استانداردهای بین‌المللی در این حوزه، پیش‌شرط حضور مؤثر در نظام مالی جهانی و برقراری تعاملات پایدار اقتصادی محسوب می‌شود.

بررسی تجربه کشورهای هم‌پیمان ایران، از جمله روسیه و چین، نشان می‌دهد که انطباق با مؤلفه‌های FATF و عضویت در کنوانسیون‌های مرتبط، زمینه‌ساز تسهیل مبادلات بانکی فرامرزی و ارتقای جایگاه اقتصادی آنان در نظام مالی جهانی بوده است. هرچه منافع اقتصادی ایران با منافع سایر کشورها بیش‌تر درهم‌تنیده شود، میزان تمایل آنان به اعمال محدودیت‌های اقتصادی علیه ایران کاهش خواهد یافت. بدین ترتیب، پیوستن به سازوکارهای بین‌المللی نه تنها ابزاری برای افزایش مشروعیت و شفافیت اقتصادی است، بلکه به‌عنوان عاملی بازدارنده در برابر فشارها و تهدیدهای

^۱. Terrorist Financing Convention (CFT)

خارجی نیز عمل می‌کند.

منابع فارسی

۱. شریعتی‌نیا، محسن. (۱۴۰۱). عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای: پیامدهای امنیتی و اقتصادی، فصلنامه ره یافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۳(۳)، ۳۵-۵۶.
۲. علوی، سیدیچی، و جودکی، محسن. (۱۴۰۰). واکاوی نقش گروه ویژه اقدام مالی (FATF) در کارآمدسازی تحریم‌های یکجانبه آمریکا (مورد مطالعه: ایران)، فصلنامه آفاق امنیت، ۱۴(۵۰)، ۹۵-۱۲۵.
۳. مقدسی، نوید، منتصر، کامیار، و مرادی، مژگان. (۱۴۰۳). بررسی عضویت ایران در گروه ویژه اقدام مالی (FATF) با تاکید بر تجارت بین‌الملل: امور کمیسیون‌های تخصصی اتاق ایران، اتاق ایران، شماره گزارش: ۰۳۱۸۲۳. ۱-۳۳.
۴. نصاری‌پور، سجاد، و صالحی یگانه، مهرداد. (۱۴۰۴). پیامدهای اقتصادی قرارگیری ایران در فهرست سیاه FATF، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۲۱(۴)، ۳۳-۵۱.
۵. نجاتی، مهدی، و بلاغی‌اینالو، یاسر. (۱۴۰۱). تحلیل منافع عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای: رویکرد تعادل عمومی قابل محاسبه، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۲۲(۳)، ۱۱۷-۸۹.

English References

1. Akbarzadeh, S. (2015). Iran and the Shanghai Cooperation Organization: Ideology and realpolitik in Iranian foreign policy. *Australian Journal of International Affairs*, 69(1), 88-103, <https://doi.org/10.1080/10357718.2014.934195>
2. Alimove, R. (2018). The Shanghai Cooperation Organization: Its role and place in the development of Eurasia. *Journal of Eurasian Studies*, 9(2), 114-124. <https://doi.org/10.1016/j.euras.2018.08.001>
3. Axelrod, R., & Keohane, R. O. (1985). Achieving cooperation under anarchy: Strategies and institutions. *World Politics*, 38(1), 226-452.
4. Bailes, A.J.K., Dunay, P., Guang, P., & Troitskiy, M. (2007). The Shanghai Cooperation Organization. *SIPRI Policy Paper*. Stockholm International Peace Research Institute.
5. Bloor, K. (2022). *Theories of global politics*. Retrieved from <https://www.e-ir.info/2022/05/15/theories-of-global-politics/>
6. Financial Action Task Force (FATF). (2008). *FATF public statement (February 28, 2008)*. Retrieved from <https://www.fatf-gafi.org/en/publications/High-risk-and-other-monitored-jurisdictions/Fatfstatement-28february2008.html>
7. Financial Action Task Force (FATF). (2008). *FATF public statement (October 16, 2008)*. Retrieved from <https://www.fatf-gafi.org/en/publications/High-risk-and-other-monitored-jurisdictions/Fatfstatement-16october2008.html>

- monitored-jurisdictions/Fatfstatement-16october2008.html
8. Financial Action Task Force (FATF). (2009). *FATF public statement*. Retrieved from <https://rm.coe.int/fatf-statement/1680716878>
9. Financial Action Task Force (FATF). (2012–2023). *International standards on combating money laundering and the financing of terrorism & proliferation*. Paris, France.
10. Financial Action Task Force (FATF). (2016). *FATF public statement (June 2016)*. Retrieved from <https://www.fatf-gafi.org/en/publications/High-risk-and-other-monitored-jurisdictions/Public-statement-june-2016.html>
11. Financial Action Task Force (FATF). (2017). *FATF public statement*. Retrieved from <https://www.fatf-gafi.org/en/publications/Fatfgeneral/Fatf-at-g7-meeting-in-bari-italy.html>
12. Financial Action Task Force (FATF). (2020). *Call for action (February 2020)*. Retrieved from <https://www.fatf-gafi.org/en/publications/High-risk-and-other-monitored-jurisdictions/Call-for-action-february-2020.html>
13. Financial Action Task Force (FATF). (n.d.). *The FATF recommendations*. <https://www.fatf-gafi.org>
14. Garba Saleh, Y., Usman Danwanzam, A., & Rimamtanung Stephen, A. (2019). Neoliberalism and international organizations. *Scholedge International Journal of Multidisciplinary & Allied Studies*, 6(11), 113-118.
15. Grajewski, N. (2020). Russia and Iran in greater Eurasia. *Middle East Insights*. July 14, 239, 1-7, at: <https://mei.nus.edu.sg/wp-content/uploads/2020/07/Insight-239-Nicole-Grajewski.pdf>
16. Haas, P. M., & Haas, E. B. (2001). Pragmatic constructivism and the study of international institutions, *Millennium: Journal of International Studies*, 31(3), 573-601. <https://doi.org/10.1177/0305829802031003>
17. Holmquist, E., & Englund, J. (2020). *China and Iran – An unequal friendship* (Report No. FOI-R-4976-SE). 2–44.
18. Instituto de Relaciones Internacionales. (n.d.). *Charter of the Shanghai Cooperation Organization*. Retrieved from <https://www.iri.edu.ar>
19. Ji, Y. C. (2015). Rationality, norms and identity in international relationships. *International Politics*, 52(1), 110–127, <https://doi.org/10.1057/ip.2014.41>
20. Keohane, R. O. (1984). *After hegemony: Cooperation and discord in the world political economy*. *International Affairs*, 61(12), 209-291, DOI:10.2307/2617490
21. Keohane, R. O., & Nye, J. S. (2011). *Power and interdependence* (4th ed.). Pearson.

22. Krieger, T., & Meierrieks, D. (2011). Terrorist financing and money laundering. Working Papers CIE 40, Paderborn University, *CIE Center for International Economics*. at: <https://ideas.repec.org/p/pdn/ciepap/40.html>
23. Licheng, P. (2022). The development and prospect of neoliberalism international relations theory. *Journal of Education, Humanities and Social Sciences*, 1, 266-272, DOI:10.54097/ehss.v1i.671
24. Manafli, T. (2021). *Neoliberalizm 'in yeri ve önemi: Şanghay İşbirliği Örgütü ve BRICS karşılaştırması* (Master's thesis). Bursa Uludağ University, Institute of Social Sciences.
25. Mazaheri, M. M. (2024). *FATF and the list that is still black for Iran*. Institute of Political and International Studies. Retrieved from <https://www.ipis.ir/en/subjectview/742937/fatf-and-the-list-that-is-still-black-for-iran>
26. Morse, J. C. (2019). *Blacklists, market enforcement, and the global regime to combat terrorist financing*. Retrieved from <https://www.researchgate.net/publication/331558767>
27. Nowrozi, M., Eskandari Khoshgo, M., & Abul Qasimi, S. (2024). Investigating international financial institutions and combating money laundering. *International Studies Quarterly*, 21(1), 55-73.
28. Omidi, A., & Noolkar-Oak, G. (2021). Geopolitics of Chabahar Port for Iran, India and Afghanistan. *South Asia Research*, 42(1), 21-39, <https://doi.org/10.1177/02627280211055981>
29. Pervaiz Iqbal, R., & Mussawer Bukhari, S.M. (2022). Iran as a Permanent Member of SCO: Scope and Challenges, *Journal of Development and Social Sciences*, 3(2), 773-۷۸۲.
30. Rozanov, A. A. (2013). *The Shanghai Cooperation Organization and Central Asia's security challenges*. Geneva: Geneva Centre for the Democratic Control of Armed Forcesm, at: https://www.dcaf.ch/sites/default/files/publications/documents/DCAF_RP16_SCO.pdf
31. Saha, A. A. (2023). Shanghai Cooperation Organization (SCO) and grand strategy of PRC: Some observations. *International Journal of English Literature and Social Sciences*, 8(2), 5-12.
32. Sayin, Y., & Kilic, F. (2020). The Strait of Hormuz and Iran's international relations. *Eurasian Research Journal*, 2(1), 29-59, at: <https://erj.eurasian-research.org/yonetim/icerik/makaleler/27-published.pdf>
33. Sectsco.org. (2017). <https://eng.sectsco.org/20170109/192193.html>.
34. Shadunts, A. (2016). *The rational actor assumption in structural realism*. Retrieved from <https://www.e-ir.info/2016/10/28/the-rational-actor-assumption-in-structural-realism/>

35. Sharman, J. C. (2008). Power and discourse in policy diffusion: Anti-money laundering in developing states. *International Studies Quarterly*, 52(3), 635-656.
36. Sharman, J. C. (2009). The bark is the bite: International organizations and blacklisting. *Review of International Political Economy*, 16(4), 573-596, <https://doi.org/10.1080/09692290802403502>
37. Sikri, R. (2008). The geopolitics of energy security and implications for South and Southeast Asia. Institute of South Asia Studies, February 11, 37, 1-28, at: <https://www.files.ethz.ch/isn/48142/36.pdf>
38. Su, H. (2023). A systematic review: Revisiting neoliberal institutionalism in the modern context with political philosophy considerations. *Proceedings of the 2nd International Conference on Business and Policy Studies*. <https://doi.org/10.54254/2754-1169/7/20230219>
39. Weitz, R. (2003). Why Russia and China have not formed an anti-American alliance. *Naval War College Review*, 56(4), Article 5. Retrieved from <https://digital-commons.usnwc.edu/nwc-review/vol56/iss4/5>
40. Whyte, A. (2012). Neorealism and neoliberal institutionalism: Born of the same approach? Retrieved from <https://www.e-ir.info/2012/06/11/neorealism-and-neoliberal-institutionalism-born-of-the-same-appr>

Translled References to English

1. Akbarzadeh, S. (2015). Iran and the Shanghai Cooperation Organization: Ideology and realpolitik in Iranian foreign policy. *Australian Journal of International Affairs*, 69(1), 88-103, <https://doi.org/10.1080/10357718.2014.934195>
2. Alavi, S. Y., Vojdaki, M. (2021). Analyzing the role of the Financial Action Task Force (FATF) in making unilateral US sanctions more effective (case study: Iran), *Afagh Amniyat*, 14(50), 95-125. **(In Persian)**
3. Alimove, R. (2018). The Shanghai Cooperation Organization: Its role and place in the development of Eurasia. *Journal of Eurasian Studies*, 9(2), 114-124. <https://doi.org/10.1016/j.euras.2018.08.001>
4. Axelrod, R., & Keohane, R. O. (1985). Achieving cooperation under anarchy: Strategies and institutions. *World Politics*, 38(1), 226-452.
5. Bailes, A.J.K., Dunay, P., Guang, P., & Troitskiy, M. (2007). The Shanghai Cooperation Organization. *SIPRI Policy Paper*. Stockholm International Peace Research Institute.
6. Bloor, K. (2022). *Theories of global politics*. Retrieved from <https://www.e-ir.info>

- ir.info/2022/05/15/theories-of-global-politics/
7. Financial Action Task Force (FATF). (2008). *FATF public statement (February 28, 2008)*. Retrieved from <https://www.fatf-gafi.org/en/publications/High-risk-and-other-monitored-jurisdictions/Fatfstatement-28february2008.html>
 8. Financial Action Task Force (FATF). (2008). *FATF public statement (October 16, 2008)*. Retrieved from <https://www.fatf-gafi.org/en/publications/High-risk-and-other-monitored-jurisdictions/Fatfstatement-16october2008.html>
 9. Financial Action Task Force (FATF). (2009). *FATF public statement*. Retrieved from <https://rm.coe.int/fatf-statement/1680716878>
 10. Financial Action Task Force (FATF). (2012–2023). *International standards on combating money laundering and the financing of terrorism & proliferation*. Paris, France.
 11. Financial Action Task Force (FATF). (2016). *FATF public statement (June 2016)*. Retrieved from <https://www.fatf-gafi.org/en/publications/High-risk-and-other-monitored-jurisdictions/Public-statement-june-2016.html>
 12. Financial Action Task Force (FATF). (2017). *FATF public statement*. Retrieved from <https://www.fatf-gafi.org/en/publications/Fatfgeneral/Fatf-at-g7-meeting-in-bari-italy.html>
 13. Financial Action Task Force (FATF). (2020). *Call for action (February 2020)*. Retrieved from <https://www.fatf-gafi.org/en/publications/High-risk-and-other-monitored-jurisdictions/Call-for-action-february-2020.html>
 14. Financial Action Task Force (FATF). (n.d.). *The FATF recommendations*. <https://www.fatf-gafi.org>
 15. Garba Saleh, Y., Usman Danwanzam, A., & Rimamtanung Stephen, A. (2019). Neoliberalism and international organizations. *Scholedge International Journal of Multidisciplinary & Allied Studies*, 6(11), 113-118.
 16. Grajewski, N. (2020). Russia and Iran in greater Eurasia. *Middle East Insights*. July 14, 239, 1-7, at: <https://mei.nus.edu.sg/wp-content/uploads/2020/07/Insight-239-Nicole-Grajewski.pdf>
 17. Haas, P. M., & Haas, E. B. (2001). Pragmatic constructivism and the study of international institutions, *Millennium: Journal of International Studies*, 31(3), 573-601. <https://doi.org/10.1177/0305829802031003>
 18. Holmquist, E., & Englund, J. (2020). *China and Iran – An unequal friendship* (Report No. FOI-R-4976-SE). 2–44.
 19. Instituto de Relaciones Internacionales. (n.d.). *Charter of the Shanghai Cooperation*

- Organization. Retrieved from <https://www.iri.edu.ar>
20. Ji, Y. C. (2015). Rationality, norms and identity in international relationships. *International Politics*, 52(1), 110–127, <https://doi.org/10.1057/ip.2014.41>
21. Keohane, R. O. (1984). *After hegemony: Cooperation and discord in the world political economy*. *International Affairs*, 61(12), 209-291, DOI:10.2307/2617490
22. Keohane, R. O., & Nye, J. S. (2011). *Power and interdependence* (4th ed.). Pearson.
23. Krieger, T., & Meierrieks, D. (2011). Terrorist financing and money laundering. Working Papers CIE 40, Paderborn University, *CIE Center for International Economics*. at: <https://ideas.repec.org/p/pdn/ciepap/40.html>
24. Licheng, P. (2022). The development and prospect of neoliberalism international relations theory. *Journal of Education, Humanities and Social Sciences*, 1, 266-272, DOI:10.54097/ehss.v1i.671
25. Manaflı, T. (2021). *Neoliberalizm'in yeri ve önemi: Şanghay İşbirliği Örgütü ve BRICS karşılaştırması* (Master's thesis). Bursa Uludağ University, Institute of Social Sciences.
26. Mazaheri, M. M. (2024). *FATF and the list that is still black for Iran*. Institute of Political and International Studies. Retrieved from <https://www.ipis.ir/en/subjectview/742937/fatf-and-the-list-that-is-still-black-for-iran>
27. Moghaddisi, N., Montaser, K., Moradi, M. (2024). Review of Iran's Membership in the Financial Action Task Force (FATF) with Emphasis on International Trade: *Affairs of the Specialized Commissions of the Iranian Chamber of Commerce*, Report No.: 031823. 1-33. **(In Persian)**
28. Morse, J. C. (2019). *Blacklists, market enforcement, and the global regime to combat terrorist financing*. Retrieved from <https://www.researchgate.net/publication/331558767>
29. Nasaripour, S., & Salehi Yeganeh, M. (2025). The Economic Consequences of Iran's Placement on the FATF Black List, *International Studies Journal*, 21(4), 33-55. **(In Persian)**
30. Nejati, M., & Bolaghi Inalo, Y. (2022). Analysis of the benefits of Iran's membership in the Shanghai Cooperation Organization: A computable general equilibrium approach, *Journal of Economic Research*, 22(3), 89-117. **(In Persian)**
31. Nowrozi, M., Eskandari Khoshgo, M., & Abul Qasimi, S. (2024). Investigating international financial institutions and combating money laundering. *International Studies Quarterly*, 21(1), 55–73.
32. Omidi, A., & Noolkar-Oak, G. (2021). Geopolitics of Chabahar Port for Iran, India and Afghanistan. *South Asia Research*, 42(1), 21-39,

- <https://doi.org/10.1177/02627280211055981>
33. Pervaiz Iqbal, R., & Mussawer Bukhari, S.M. (2022). Iran as a Permanent Member of SCO: Scope and Challenges, *Journal of Development and Social Sciences*, 3(2), 773-782.
 34. Rozanov, A. A. (2013). *The Shanghai Cooperation Organization and Central Asia's security challenges*. Geneva: Geneva Centre for the Democratic Control of Armed Forces, at: https://www.dcaf.ch/sites/default/files/publications/documents/DCAF_RP16_SCO.pdf
 35. Saha, A. A. (2023). Shanghai Cooperation Organization (SCO) and grand strategy of PRC: Some observations. *International Journal of English Literature and Social Sciences*, 8(2), 5-12.
 36. Sayin, Y., & Kilic, F. (2020). The Strait of Hormuz and Iran's international relations. *Eurasian Research Journal*, 2(1), 29-59, at: <https://erj.eurasian-research.org/yonetim/icerik/makaleler/27-published.pdf>
 37. Sectsco.org. (2017). <https://eng.sectsco.org/20170109/192193.html>.
 38. Shadunts, A. (2016). *The rational actor assumption in structural realism*. Retrieved from <https://www.e-ir.info/2016/10/28/the-rational-actor-assumption-in-structural-realism/>
 39. Shariatinia, M. (2022). Iran's Permanent Membership in the Shanghai Cooperation Organization: Security and Economic Implications, *Journal of Political and International Economic Approaches*, 13(3), 35-56. **(In Persian)**
 40. Sharman, J. C. (2008). Power and discourse in policy diffusion: Anti-money laundering in developing states. *International Studies Quarterly*, 52(3), 635-656.
 41. Sharman, J. C. (2009). The bark is the bite: International organizations and blacklisting. *Review of International Political Economy*, 16(4), 573-596, <https://doi.org/10.1080/09692290802403502>
 42. Sikri, R. (2008). The geopolitics of energy security and implications for South and Southeast Asia. Institute of South Asia Studies, February 11, 37, 1-28, at: <https://www.files.ethz.ch/isn/48142/36.pdf>
 43. Su, H. (2023). A systematic review: Revisiting neoliberal institutionalism in the modern context with political philosophy considerations. *Proceedings of the 2nd International Conference on Business and Policy Studies*. <https://doi.org/10.54254/2754-1169/7/20230219>
 44. Weitz, R. (2003). Why Russia and China have not formed an anti-American alliance. *Naval War College Review*, 56(4), Article 5. Retrieved from <https://digital-commons.usnwc.edu/nwc-review/vol56/iss4/5>

45. Whyte, A. (2012). Neorealism and neoliberal institutionalism: Born of the same approach? Retrieved from <https://www.e-ir.info/2012/06/11/neorealism-and-neoliberal-institutionalism-born-of-the-same-appr>

